



در انتظار امضاء

● رضا کربلایی

و یا اینکه ۳۰۰ آبدارچی در وزارتخانه مشغول به کارند، تکلیف کاملاً مشخص است. حتی فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی، نظیر اینترنت هم کمتر توانسته است از دالان‌های اداری کم کند و این مسئله نشان از یک دشواری تازه در نظم بازار و اقتصاد ایران دارد و آن اینکه نظام اداری حاکم بر اقتصاد و بازار ایران هنوز هم برخاسته از دوران دولت‌های همه‌کاره است و گویا ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی و سایر سیاست‌های کلان نظام در مورد امور اداری و مدیریت بهینه کشور آن گونه که بایسته و شایسته است، جاری و ساری نشده است. اینجاست که حلقه‌های گمشده توسعه و بهبود فضای کسب‌وکار در نتیجه نظام ناکارآمد اداری نمایان می‌شود و چاره این است که نظم تازه‌ای افکنده شود تا تنگناهای اداری اثرگذار بر قیمت تمام شده کالاها و خدمات رفع شود و اثرات کمی و کیفی در انتظار امضاء ماندن مردم و فعالان اقتصادی سنجیده شود و اثر صدور هر امضاء ارزیابی گردد و البته تأثیر مثبت و منفی هر سخن و اظهار نظر بر گستره بازار مورد مذاقه قرار گیرد. بی‌تردید اگر بخواهیم هزینه‌ها را کم کنیم، باید دریابیم امضاءها تا چه اندازه اثرگذارند. اقتصاد ایران تا اندازه زیادی گرفتار امضاءست؛ چه در صف امضاء شدن یا در جست‌وجوی راهی برای کاستن از هزینه‌های امضاءهای منفی. اقتصاد به امضاءهای طلایی بر اساس منطق و عقلانیت اقتصادی نیاز دارد، وگرنه امضاءهای طلایی بدون پشتوانه کارشناسی مخرب هستند. به نظر می‌رسد اکنون که دولت محترم با محوریت وزارت بازرگانی قصد دارد تا قیمت تمام‌شده کالاها و خدمات را کاهش دهد، بهتر است نسبت به آسیب‌شناسی تأخیر در امضاءها و همچنین تأثیر امضاءها و محاسبه هزینه‌های ناشی از آن بر اقتصاد و بازار اقدام و راهی برای رفع چالش‌های پیش رو اندیشه کند. ■

آیا تاکنون فکر کرده‌اید هزینه دیوان‌سالاری دیوانه‌کننده در نظام اداری ایران برای اتخاذ یک تصمیم، به نتیجه رساندن یک جلسه و امضای یک نامه و درخواست تا چه اندازه بر هزینه‌های کالاها و خدمات می‌افزاید؟ هر روز در سطح وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی جلسات زیادی برای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌های ریز و درشت برگزار می‌شود، کارتابل مدیران در سطوح مختلف پر است از نامه‌های در انتظار امضاء، ارباب رجوع در شکل مردم عادی، فعالان اقتصادی، اعم از بازرگانان و تولیدکنندگان، منتظرند تا با دریافت چند امضاء گرهی از مشکلات آنها برطرف شود و این نظم نا منظم در دنیای پیچیده و اقتصاد و کسب‌وکار پیچیده‌تر امروزی به گونه‌ای پیش می‌رود که هزینه‌های زیادی بر اقتصاد و بازار و در سطح کلان بر کل کشور تحمیل می‌کند و تشکیل کمیته‌های مشترک و کارگروه‌ها و صدور دستورهای مختلف، نه تنها باری از دوش اقتصاد بر نمی‌دارد، بلکه بر میزان آن می‌افزاید تا آنجا که برخی نمایندگان مجلس از تبدیل شدن نهاد قانون‌گذار به ماشین تولید انبوه قانون گلایه دارند و سیل نامه‌های درخواستی به سمت وزیران اقتصادی و مدیران ارشد برای برطرف کردن مشکلات و تأمین خواسته‌ها بیشتر و بیشتر می‌شود. اما روی دیگر سکه اثر امضاءها و پیامدهای تصمیم‌ها از تصویب قوانین و مقررات گرفته تا صدور بخش‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها و مجوزها بر اقتصاد ملی است که قابل تأمل و تدبیر است. درست فکر کرده‌اید که افزون بر هزینه‌های ناشی از در انتظار امضاء ماندن، هزینه‌های ناشی از صدور امضای یک قانون گرفته تا یک دستور ساده اداری چه میزان بر کند شدن یا تند شدن رشد اقتصادی ایران اثر می‌گذارد؟ وقتی یک وزیر خود می‌گوید گردش یک نامه فوری در ساختمان وزارتخانه‌اش یک هفته طول می‌کشد

بازرگانی باید نسبت به بازرسی در بازار و دخالت ادامه دهد؟ به نظر من اصلاً نیازی به حضور مستقیم وزارت بازرگانی در سطح بازرسی کالاها وجود ندارد. آیا وزارت بازرگانی باید واردکننده مستقیم کالاها را اساسی باشد؟ اصلاً این نیاز وجود ندارد. آیا ما باید خریدار گندم باشیم؟ به هیچ وجه. آیا ما باید سازمانی به عنوان سازمان حمایت از مصرف‌کننده دولتی داشته باشیم؟ اصلاً و به هیچ وجه. حرف من این است که بر اساس سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی و فضای جدید اقتصاد کشور باید تک‌تک مأموریت‌ها و وظایف دولت و وزارت بازرگانی بر اساس این الگو و این سیاست‌ها مورد بازنگری و بازمهندسی قرار گیرد. البته نباید فراموش کنیم که در فرایند گذر از دوران تصدی‌گری به دوران اعمال حاکمیت با تلاطم‌ها و چالش‌هایی همراه هستیم، چرا که هنوز نهادسازی و الزامات آن فراهم نشده است. می‌خواهیم تنظیم بازار را به دست اصناف و بخش خصوصی واگذار کنیم، اما هنوز اصناف و بخش خصوصی آمادگی لازم را ندارد و ما اکنون در حال طی کردن مراحل گذار هستیم.

■ سؤال آخر این است که ما اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها را در پیش داریم و به طور طبیعی بیشترین فشارها، انتقادات و تنش‌ها به ویرترین اقتصاد ایران، یعنی وزارت بازرگانی برمی‌گردد. تا چه اندازه فکر می‌کنید وزارت بازرگانی آماده است و آیا فکر می‌کنید دستگاه‌های دولتی اجماع و اتفاق نظر را در اجرای قانون حفظ خواهند کرد و یا اینکه همه خود را پشت دیوار وزارت بازرگانی پنهان خواهند کرد؟

قانون هدفمند کردن یارانه‌ها اولاً باید اجرا شود و دوم اینکه همه دستگاه‌های دولتی باید آمادگی لازم را در عمل نشان دهند و به مسئولیت‌های خودشان عمل کنند و سومین نکته حفظ و تقویت اجماع ملی هم در دولت و هم بین مردم برای انجام این کار مهم و حیاتی است. اما در ارتباط با مسئولیت وزارت بازرگانی به عنوان ویرترین اقتصاد کشور، باید قبول کنیم که با واقعی شدن قیمت حامل‌های انرژی و هدفمند کردن یارانه‌ها، بازار و فضای کسب‌وکار دچار تغییراتی خواهد شد، اما برای اینکه مردم آسیب نبینند، وزارت بازرگانی بسته‌های حمایتی را در نظر گرفته است و به تصویب دولت هم رسانده است، مثل ذخیره‌سازی کالاها و اساسی و استراتژیک، و بسته حمایت از صادرات غیرنفتی. در بحث ذخیره‌سازی کالاها اساسی و استراتژیک مصوب شده است ۲ هزار میلیارد تومان کالا از محل تولید داخل و در صورت کسری از طریق واردات، در اقصی نقاط کشور ذخیره‌سازی شود تا چنانچه بازار در هر جایی و در مورد هر کالایی با کمبود مواجه شد، این کمبودها از طریق ذخایر جبران شود. البته این ذخیره‌سازی توسط میانشان بخش خصوصی، و نه دولتی، صورت می‌گیرد و وزارت بازرگانی در فرایند خرید و ذخیره‌سازی دخالت مستقیم و تصدی ندارد و تنها مدیریت ذخیره‌سازی کالاها را بر عهده دارد تا کالاها ذخیره شده زمانی به بازار عرضه شود که شرایط غیرطبیعی در بازار رخ دهد، اما قطعاً در شرایط طبیعی و معمولی کالای ذخیره شده وارد بازار نخواهد شد. بنابراین وقتی این کالاها وارد بازار می‌شود که قیمت‌ها ناگهان جهش غیرطبیعی داشته باشد و به دلیل کمبود کالا مردم دچار آسیب شوند و هدف این است که جلو شوک روانی در بازار گرفته شود. ■